

تابش آفتاب فارسی در نزدیکی قطب شمال

معرفی ۳۶ متن فارسی و تازی منتشر شده در سوئد

در مرداد ۱۳۸۷/اگوست ۲۰۰۸، فرزندم، فروغ‌حسن، برای ثبت‌نام در دانشگاه اوپسالا عازم کشور سوئد شد. او که رشته تحصیلاتش مهندسی کامپیوتر است، جامه‌دانش پُر از وسایل کامپیوتری و کتاب‌هایی در این رشته بود و سر سوزن جا اضافی نبود. من هم یواشکی یک کتاب فارسی از تألیفات خودم در کیف دستی او چپاندم و به او گفتم که سر فرصت، به کتابخانه دانشگاه اوپسالا برود و این کتاب را بدانجا هدیه کند؛ زیرا می‌دانستم کتابخانه دانشگاه اوپسالا یکی از معروف‌ترین خزانه‌های نسخ خطی در اروپاست و کتابی که من اهدا کرده بودم نیز از نوع فهراس نسخه‌های خطی بود و به گمانم برای بخش نسخه‌های خطی آنجا بدک نبود. پنج - شش ماه طول کشید تا فرزندم در آن شهر سر و سامان یافت و یک روز سر فرصت، در آستانه نوروز ۱۳۸۸ش، کتاب را به کتابخانه دانشگاه برد و به مسئول بخش نسخه‌های خطی تحویل داد. در آنجا با مسئولی برخورد که ایرانی‌الصل بود. کتاب را از فرزندم تحویل گرفت و وقتی روی جلد کتاب اسم بنده و امضای تهدیه را دید، از او پرسید: چطور شد که تو این کتاب را آوردی؟ او جریان را گفت که پسر فلانی است و کتاب را بابا برای اینجا داده است. مسئول خوش‌برخورد ایرانی از کشوی میز خود کتابی درآورد و به پسر داد و گفت که این را به عنوان هدیه نوروزی، از طرف من برای بابایت بفرست! بعد از چند روز، از طریق پست کتابی فارسی به دستم رسید که در دیباچه آن، خبر انتشار دو کتاب دیگر فارسی نیز از همان مصحح درج شده بود. اشتیاقم دوچندان شد و در ضمن اعلام وصول کتاب به مصحح، آن دو کتاب را نیز از ایشان خواستم. در عرض چند روز، آن دو کتاب نیز به دستم رسید. با دیدن این سه کتاب، در برابر گردآورنده و مصحح آنها - که بنده شخصاً ایشان را نمی‌شناسم -

دکتر عارف نوشاهی



احساس دینی می‌کنم و این گفتار ناچیز، کوششی خالصانه در ادای دین آن دوست نادیده است.

مصحح و گردآورنده این سه کتاب، آقای علی محدث است، که از لابه‌لای پیش‌گفتارها متوجه شدم که ایشان فرزند جلال‌الدین محدث ارموی و مسئول سابق بخش نسخ خطی کتابخانه ملی ایران هستند. هم‌اکنون مأموریت معرفی و فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی و میکروفیلم‌های کتابخانه دانشگاه اوپسالا را به عهده دارند، که یکی از کهن‌ترین کتابخانه‌های اروپاست. تألیف فهرست یادشده مدت‌هاست به انجام رسیده، ولی هنوز چاپ و نشر نشده است و به‌زودی چاپ خواهد شد. آقای محدث در تصحیح و چاپ برخی از آثار ارزشمند خطی فارسی و عربی موفق بوده‌اند و تاکنون به تصحیح ایشان مجموعه سه کتاب - و در واقع ۳۶ اثر - به شرح زیر در سلسله انتشارات ACTA BIBLIOTHECAE R. UNIVERSITATIS UPSALIENSIS، از طرف دانشگاه اوپسالا منتشر شده است:

۱. گل و نوروز، سروده جلال طیب شیرازی، ۲۰۰۱ م.
 ۲. پانزده منظومه ادبی - عرفانی به فارسی و عربی، سروده پانزده شاعر پارسی، هندی، رومی و تازی، ۲۰۰۴ م.
 ۳. بیست متن فلسفی - عرفانی به پارسی و تازی، ۲۰۰۸ م.
- آثاری که در این سه کتاب گرد آمده است، مربوط به موضوعاتی است که محققان ایرانی در سال‌های اخیر پیرامون آنها داد تحقیق داده و کتاب‌هایی تألیف کرده‌اند؛ ولی هیچ‌کدام، از کارهای آقای محدث خبر نداشته است. باشد که بدین وسیله از رسائلی که در این مجموعه‌ها به چاپ رسیده است، به اطلاع پژوهشگرانی برسد که در موضوعات فتوت، قلندری، زبان حال (مناظرات)، نقطویه و حروفیه، مشایخ هندوستان و ... کار کرده و می‌کنند.

۱. گل و نوروز، سروده جلال طیب شیرازی در سال ۷۳۴ هـ.ق، با تصحیح و توضیح و مقدمه تحلیلی علی محدث، ACTA UNIVERSITATIS UPSALIENSIS، ۲۰۰۱ م، ۲۳ + ۷۱ + ۴۰ ص، شامل مقدمه تحلیلی مصحح به فارسی و انگلیسی، متن مثنوی، اختلاف نسخ و توضیحات.

بنا بر توضیح مصحح محترم، مولانا جلال‌الدین احمد بن یوسف بن الیاس طیب خوافی شیرازی، دانشمند، پزشک، نویسنده و شاعری معروف در سده هفتم هجری در فارس، خاصه در دربار شاه‌شجاع مظفری (۷۶۰ - ۷۸۶ ق) بوده است. مثنوی گل و نوروز را در ۷۳۴ ق سروده و به امیر غیاث‌الدین کیخسرو اینجو حاکم و شاه شیراز اهدا کرده است. اگرچه مضمون اصل داستان و سرگذشت گل و نوروز است، ولی شاعر صریحاً اظهار داشته که این منظومه، رمزی از زندگی خود او و ساخته اندیشه اوست. مصحح این را بر اساس چهار نسخه تنظیم کرده است:

۱. ایاصوفیه، استانبول، ش ۳۸۵۷، در مجموعه مورخ ۸۱۶ ق.

۲. موزه بریتانیا، لندن، ش Add.27259، مورخ ۸۲۱ ق.

۳. دانشگاه اوپسالا، ش O Nov14، مورخ ۸۳۱ ق.

۴. موزه بریتانیا در لندن، ش Or.11330، سده دهم.

۲. پانزده منظومه ادبی - عرفانی به فارسی و عربی، سروده پانزده شاعر پارسی، هندی، رومی و تازی؛ تدوین، تصحیح و توضیح علی محدث، ACTA UNIVERSITATIS UPSALIENSIS، ۲۰۰۴ م، ۱۷ + ۲۹۴ ص، صفحه عنوان انگلیسی Fifteen Literary Mystical Poems in Persian and Arabic Written by Fifteen Persian Indian, Turkish and Arab Poets. شامل ۱۵ متن کامل یا به صورت برگزیده به شرح زیر:

۱. محبت‌نامه سروده خواجه فضل‌الله بن نصح شیرازی، شاعر نامدار قرن هشتم هجری، که در شعر «ابن‌نصح» تخلص می‌کرد. محبت‌نامه را در شوال ۷۸۸ ق سرود. در تصحیح این مثنوی از نسخه نور عثمانیه، ترکیه، ش ۳۷۸۳ مورخ ۸۳۵ ق استفاده شده است، که میکروفیلم آن در اوپسالا، ش A-H ۱۵،۳۶۰۸ نگهداری می‌شود. اگرچه این منظومه عاشقانه به هیئت مثنوی سروده شده است، اما گاهی در آن از غزلیات شاعر نیز آمده است. محبت‌نامه حاضر مشتمل بر یک‌هزار و سه‌صد و نود و دو (۱۳۹۲) بیت شعر است (صص ۸۶ - ۸۷).

۲. قلندرنامه سروده امیر رکن‌الدین فخرالسادات حسین بن عالم حسینی هروی، معروف به امیرحسینی (م: ۷۱۸ ق)، شاعر و عارف معروف هرات. منظومه حاضر بر اساس دو نسخه تصحیح شده و هر دو نسخه در کتابخانه ایاصوفیه در استانبول نگهداری می‌شود با شماره‌های ۲۰۳۲، مورخ ۸۶۱ ق (فیلم در اوپسالا، ش ۱۵،۳۱۹۱) و ۳۹۷۷، بی‌تاریخ (فیلم در اوپسالا، ش C ۱۵،۵۰۸) تعداد ابیات قلندرنامه حاضر شصت و سه (۶۳) بیت است (صص ۸۸ - ۹۱).

۳. قلندرنامه سروده مولانا محمد صوفی آملی (مازندرانی) پسیخانی، از معاریف شعرای ایران، که بیشتر دوران شاعری خود را در هند گذراند و همانجا در ۱۰۳۵ ق درگذشت. مستند چاپ، نسخه‌ای است محفوظ در ایاصوفیه، استانبول، ش ۲۸۷۳، خط قرن یازدهم هجری، که فیلم آن در اوپسالا، ش ۱۵،۲۵۰۹ نگهداری می‌شود. مصحح پیش‌گفتاری نسبتاً مفصل دارد در شناسایی عقاید نقطویان و آثاری درباره آنان و شرح حال صوفی آملی. قبل از قلندرنامه دو غزل صوفی نیز چاپ شده است (صص ۹۳ - ۱۲۴).

مطلع قلندرنامه این است:

ما گوهر بحر لایزالیم

مرآت جمال ذوالجلالیم

و ترجیع‌بند آن:

مرآت حقیق و نور اقدس

از ما شده آدمی مقدس

۴. گزیده‌ای از دیوان حیدر هروی (ف-۹۵۹ق)، از شاعران معروف، که در بازار ملک هرات پیشه کلوچه‌پزی داشت و گاهی برای تجارت به هندوستان می‌رفت. گزیده حاضر از روی نسخه اوپسالا، مورخ سده ۱۳ هـ ش O Nov-389 فراهم آمده است و حاوی ۴۰ غزل و یک قطعه است که جمعاً ۲۴۰ بیت دارد (صص ۱۲۵-۱۴۲).

۵. هدیه راز، سروده شاعری صوفی از قصبه نوساری هند، در وصف مشایخ تصوّف در هند و معابد و مراقد ایشان، در سال‌های ۱۱۳۲-۱۱۳۵ ق، بر اساس یگانه نسخه خطی اوپسالا، به خط سراینده، ش O Nov-523

چون نسخه از آغاز افتادگی دارد، نام سراینده به دست نیامد. بیشتر توصیف‌ها از مشایخ احمدآباد (گجرات) است با نام‌های محبوب عالم، پیره‌شاه عالم، سلطان احمد عالم‌نواز، بابا احمد، سلطان گنج احمد، احمد کوچه‌رو، سلطان شاه‌داوود، برادر سلطان شاه‌داوود، مخدوم نصیرالدین، شیخ فتح‌الله بن مخدوم نصیرالدین، شیخ جمیل‌الله عرف، شیخ صاحب جیو، ملک عبدالصمد عرف میان صاحب، ملک محمدی، محمد پیر شتاب، شیخ ظهیرالدین شیرازی و فرزندان او، پیر جام و غیره، در این منظومه مدح استادش فقیرالله بن فیض‌الله، متخلص به «غریب» نیز بوده، که مصحح آن را حذف کرده است. مرگ پدر شاعر در ۱۱۲۷ق و مرگ عم او، عزیزالله جمال، در ۱۱۲۸ق اتفاق افتاد. تعداد ابیات نسخه حاضر (چاپ) ۱۰۲۶ بیت است، ولی اصل نسخه که افتادگی‌ها دارد، قطعاً حجم ایباتش بیشتر از این بوده است. (صص ۱۴۳-۱۹۴). با همه نشانی‌هایی که در نسخه آمده است، بنده هیچ نام و نشانی از این مثنوی و مؤلفش را در فهرس هند و پاکستان پیدا نکرد و ظاهراً نسخه اوپسالا منحصر به فرد است.

۶. مخمس، سروده پیر محمد بن لطف‌الله نوشهری، از مریدان سلسله میرعلی همدانی، بر اساس نسخه ایاصوفیه، ش ۴۷۹۲، فیلم در اوپسالا، ش MF.15.1095، فقط ۱۲ بند، با مطلع:

یار از پی اظهار قدم تاخت یگانه
جام می و جانانه طلب، بزم شهانه
درد سر ما بیش مده شیخ زمانه
ما جنگ نداریم چو زاهد ز چغانه

ساقی به من امروز بده رطل گرانه (صص ۱۹۵-۱۹۹)

۷. ساقی‌نامه از سراینده نظم العقاید در سال ۱۱۸۸ق، نظم العقاید شرحی منظوم بر عقاید نسفی است. به گمان مصحح، شارح از حدود بخاراست؛ ولی چون نسخه در دست از آغاز افتادگی دارد، نام ناظم معلوم نشد. در ابیات آغازین این منظومه (نظم العقاید) ساقی‌نامه‌ای - و تعبیر دقیق‌تر، سوگندنامه‌ای - در ۱۸ بیت نیز مندرج است. بر اساس نسخه اوپسالا، مورخ ۱۲۲۸ ش O Nov-437۰ (صص ۲۰۱-۲۰۴).

۸. پند افلاطون به (وسطو، سروده مجد خوافی، که روضه خلد را در ۷۳۷ ق تألیف کرده بود. این پندنامه در ۲۳ بیت است، بر اساس نسخه

عاطف افندی، استانبول، سده ۱۱، ش ۲۲۵۷؛ که فیلم آن در اوپسالا، ش ۱۵،۴۸۳ محفوظ است (صص ۲۰۵-۲۱۰).

۹. پندنامه اوشیروان، از سراینده‌ای ناشناخته، بر اساس نسخه ایاصوفیه، ش ۲۷۸۰، (فیلم در اوپسالا، ش ۱۵،۲۸۰۸)، مشتمل بر ۱۰۱ پند به نثر و ۱۰۸ بیت شعر (صص ۲۱۱-۲۲۱)؛ نمونه:

همیشه بر مهتران جای جوید:
چو باشد نشست تو با مهتران
منه پای بر پایه دیگران

۱۰. پندنامه سروده الله‌یار صوفی سمرقندی نقشبندی (م: ۱۱۳۳ق) مؤلف مسلک‌المتّقین، برگزیده ۶۱ بیت از میان حدود ۶۰۰ بیت، بر اساس نسخه اوپسالا، ش O Nov-395، با مطلع:

الهی نور مقصودم ز درگاه
بکن تابنده تا بنده رود راه (صص ۲۲۳-۲۳۰)

۱۱ تا ۱۳. سه منظومه از فرقه حروفیه (صص ۲۳۱-۲۵۵):

۱. مخزن رموز، از نصرالله بن حسن نافجی، در ۸۲۵ ق.
۲. کز نامه تألیف بایزید گیلانی حروفی، زنده در ۹۹۴ ق، به انتخاب و نظم جلال سافرشاه.

۳. القصیده الثانیة فی تبیین اعتقادات الحروفیة، از شاعر حروفی مذهب که اسمش معلوم نیست، بر اساس نسخه موزه مولانا، قونیه، ش ۱۶۴۴ مورخ ۹۹۳ ق.

۱۴. تخمیس الخمریة لشرف‌الدین عمر بن الفراض المصری، خمسه شمس‌الدین احمد بن سلیمان بن کمال پاشا الرومی (م: ۹۴۰ ق)، بر اساس نسخه حالت افندی، سلیمانیه، استانبول، ش ۳۳۹، بدون تاریخ (صص ۲۵۷-۲۶۹).

۱۵. قلادة الدر المنثور فی ذکر البعث و النشور، نظمه عبدالعزیز بن احمد بن سعید الديرینی المصری (م: ۶۹۴ ق)، بر اساس دو نسخه اوپسالا، ش O Nov-606 بی‌تاریخ و دیگری در ضمن خزیده العجائب و فریده الغرائب ابن‌الوردی، ش O Nov-18، سده ۱۰ ق (صص ۲۷۱-۲۸۰).
در پایان، فهرست‌های گوناگون دارد از نوع لغات و ترکیبات، امثال و اصطلاحات، آیات قرآن، احادیث، کلمات و شطیحات صوفیان، فهرست منابع.

۳. بیست متن فلسفی - عرفانی به پارسی و تازی؛ تدوین، تصحیح و توضیح علی محدث، ACTA UNIVERSITATIS UPSALIENSIS، ۲۰۰۸ م، ۲۲+۳۶ ص. صفحه عنوان انگلیسی: Twenty Philosophical Mystical Texts in Persian and Arabic.

۱. فتوت‌نامه املاء و تقریر خواجه عبدالله انصاری هروی (م: ۴۸۱ ق). در صحت انتساب این فتوت‌نامه به خواجه انصاری، مصحح مقایسه‌ای بین منازل‌السايرين و طبقات‌الصوفیه خواجه انجام داده و همگونی سبک

نگارشی در بین آنها دیده است. چاپ حاضر بر اساس یگانه نسخه آن موجود در مجموعه رسائل در ایاصوفیه، ش ۲۰۴۹ (میکروفیلم در اوپسالا، ش MF15:587-588) است (صص ۷-۳۳). مصحح در دیباچه خود خواجه انصاری را یکی از بزرگ‌ترین دشمنان خرد و اندیشیدن در طول تاریخ تمدن ایران قلمداد کرده است! (ص ۱۰) و شواهد آن را از مقدمه دکتر محمد سرور مولایی بر طبقات الصوفیه (تهران، توس، ۱۳۶۲ ش) آورده است.

۲. دیوان حسن شمشیری. مولانا حسن شمشیری از مشاهیر صوفیه بوده است و تنها منبع برای شرح حال او کتاب بلاغة المراد، تألیف یکی از شاگردان او، عیدعاشق خوشانی، در ۷۱۹ ق در شهر نهبوند است و در آن سال استادش، حسن شمشیری، هنوز در قید حیات بوده است. از اشعار او مستفاد می‌گردد که به وحدت وجود معتقد و طرفدار سماع بوده است. این اشعار از اوست:

ما گم‌شدگان وصل اویم
آسوده ز هجر و جست‌وجویم
از هفت جحیم می‌ترسیم
وان هشت بهشت می‌نبویم
چون نیست شدیم، خود بدیدیم
کو هست چو ما و ما چو اویم
هم غرق شدیم در انا الحق
هم مست چو بایزید خویم
از عشق رخس عجب مدارید
گر لاف زنیم که ما ازویم

در کتابخانه سلیمانیه، استانبول، مجموعه‌ای است به شماره Husnu 665 مشتمل بر دیوان حسن شمشیری، دیوان عیدعاشق خوشانی (نک: پس از این) و بلاغة المراد که در ۷۳۸ ق به قلم خواهرزاده خوشانی کتابت شده است. در مجموعه بیست متن، این دیوان در صفحات ۳۵ - ۴۴ قرار دارد.

۳. دیوان عیدعاشق خوشانی، متخلص به «جشنی»، مؤلف بلاغة المراد که ذکرش گذشت و در آن کتاب نیز اشعار مؤلف آمده است. مؤلف در آخر بلاغة المراد اشاره به تألیفات فراوان خود کرده است که مصحح فقط یکی از آنها - کفاية السلاکین - را نام برده است. مؤلف، دیوان جداگانه نیز دارد مشتمل بر ۱۸۹ بیت که در این مجموعه، در صفحات ۴۵ - ۶۹ چاپ شده است. او نیز مانند مراد خود، حسن شمشیری، در اشعار خود قائل به وحدت وجود و سماع است؛ چنان که می‌گوید:

من آن ظلّ خداوندم که با کس نیست پیوندم
درخت هست برکندم، هم آفتاب و ظلّال استم

۴. منتخب آداب سماع، از ابوالمفاخر یحیی باخرزی (م: ۷۳۶ ق)، مؤلف اوراد الاحباب و فصوص الآداب. رساله حاضر گزیده‌ای از فص

آداب السماع از کتاب اوراد الاحباب اوست به همت ادیبی دیگر نزدیک به زمان مؤلف. به قول مصحح رساله حاضر بسیاری از اغلاط یا مبهمات یا وجوه معلق نسخه چاپی اوراد الاحباب را تصحیح می‌کند. این چاپ بر اساس نسخه ایاصوفیه، استانبول، ش ۴۷۹۲ (فیلم در اوپسالا، ش MF15.1097) انجام گرفته است (صص ۷۱ - ۱۰۰).

۵. آداب درویشی، از کمال‌الدین حاجی محمد خوشانی، معروف به مخدوم اعظم (د: ۹۳۸ ق). یکی از خلفای او شیخ عمادالدین فضل‌الله برزش آبادی بوده است. رساله حاضر در آداب صوفیانه است از نوع خدمت، صحبت با شیخ، خلوت، حرمت داشتن درویشان دیگر را. در آن گفته است: «اگر کسی از قضا به خانقاه آمده، سکون اختیار کند، تا سه روز اکرام و حرمت او به طریق مهمان به جای آرند. بعد از آن، خادم احوال او را تقشیر کند؛ اگر ذوق و داعیه درویشی در باطن او مخمّر گشته است، او را به حکایات دلکش جان‌فریب و موعظت‌های ناشکیب از احوال مشایخ، امیدوار و دلگرم سازند و به خدمتی که مناسب حال او باشد، وی را مشغول گردانند؛ و الا رخصتش دهند و خانقاه را فرمایند بدن غلوزخانه [کذا] و لوندخانه نسازند» (ص ۱۲۰).

چاپ این اثر مبتنی است بر یگانه نسخه خطی کتابخانه لالا اسماعیل، استانبول، ش ۱۳۹، مورخ ۱۰۲۴ ق، که میکروفیلم آن در اوپسالا، ش MF.15:2917 موجود است

۶. مکتوب امین‌الدین محمد کازرونی (د: ۷۴۵ ق) به درویش علی بن حاجی ارشد، بر اساس نسخه ایاصوفیه، ش ۴۷۹۲ (میکروفیلم در اوپسالا، ش MF 15:1093,1100)، مورخ ۸۱۶ ق. نویسنده نامه از عرفای معروف فارس بود و منصب شیخ‌الاسلامی فارس به عهده داشت؛ ولی هویت دریافت‌کننده نامه معلوم نیست (صص ۱۲۱-۱۲۴).

۷. اندرزنامه محمود بن فضل. درباره نویسنده چیزی معلوم نیست. مصحح احتمال داده است که وی از عارفان قرن هشتم هجری است. اندرزنامه او یکی از نمونه‌های خوب نثر فارسی و یادآور گفتارهای خواجه عبدالله انصاری است؛ بلکه به گفته مصحح، «از نوشته‌های خواجه عبدالله بلیغ‌تر است و هم عمیق‌تر. نویسنده آن عارفی خوش‌فکر و ادیبی خوش‌بیان بوده است» (ص ۱۲۶). نمونه:

«خلق دو چیز با دو چیز غلط [کذا؛ خلط] کرده‌اند: گفت و شنید با علم و عمل. چون بشنیدند، پنداشتند که بدانستند، و چون باز گفتند، پنداشتند که به عمل آوردند» (ص ۱۲۷).

اساس چاپ بر نسخه خطی‌ای است در ایاصوفیه، ش ۴۷۹۲، مورخ ۸۱۶ ق (میکروفیلم در اوپسالا، ش MF.15:1094) (صص ۱۲۵ - ۱۳۱).

۸. معتقد ابوعبدالله محمد بن خفیف شیرازی (ف: ۳۷۱ ق). یکی از شاگردان ابن خفیف شیرازی، ابوالحسن علی بن محمد دیلمی، سیرت ابن خفیف شیرازی را به زبان عربی نوشته بود. همین ابوالحسن دیلمی، معتقد استاد خود را تألیف به املاء کرده و زین‌الدین ناپنی، از ادبای احتمالاً سده هشتم هجری، به فارسی ترجمه کرده است که درباره این مترجم

اطلاعی در دست نیست. این معتقد در ۴ فصل است: شناخت خدای تعالی، پیامبری، ایمان و اعتقادات صوفیه. تصحیح بر اساس نسخه ایا صوفیه، ش ۴۹۷۲، مورخ ۸۱۶ ق (میکروفیلم در اوسالا، ش MF15:1094) است (صص ۱۳۳ - ۱۴۹).

۹. معتقد ابواسحاق رکن‌الدین ابراهیم بن محمد اسفراینی (م ۴۱۸ ق)، از متکلمان شافعی مذهب اشعری‌العقیده. ترجمه فارسی از مترجمی ناشناخته؛ در چند فصل: توحید، صفات خدای تعالی، اصول هواها و عقاید باطله، نکات متفرقه. بر اساس نسخه کتابخانه شهید علی در استانبول، ش ۲۷۰۳، مورخ ۷۸۹ هـ (میکروفیلم در اوسالا، ش MF15:646) تصحیح شده است (صص ۱۵۱ - ۱۶۳).

۱۰. معتقد شاه نعمه‌الله ولی کرمانی (م ۸۳۴ ق). بر اساس اعتقادنامه حاضر، نعمه‌الله ولی آشکارا سنی است؛ بر خلاف آنچه درباره شیعه بودن او در ریحانة الادب (ج ۶ صص ۳۳۹ - ۳۴۲) و تاریخ ادبیات ایران، تألیف دکتر صفا (ج ۴، صص ۲۳۲-۲۳۹) آمده است. مصحح در پیش گفتار خود راز بقای فرقه نعمه‌اللهیه را در مقایسه با سایر فرق تصوف ایرانی که بر افتاداند، شرط امر به معروف و مؤدی نشدن به فتنه بر شمرده است؛ یعنی پیروان نعمه‌اللهیه اجازه ندارند بر ضد ظلمه و حکومت‌ها و دولت‌ها هر چند ظالم باشند، مخالفت کنند (ص ۱۶۹). نسخه اساس در ایاصوفیه، استانبول، ش ۴۷۹۲، مورخ ۸۱۶ ق (میکروفیلم در اوسالا، ش MF15:1094) بوده است (صص ۱۷۱ - ۱۷۸).

۱۱. فرقه‌های متصوفه از نجم‌الدین عمر بن محمد نسفی (م: ۵۳۷ هـ). نسفی در رساله حاضر فقط مثالب صوفیه را یاد کرده است. در دیباچه می‌گوید: «بدان که اهل تصوف ... در زمان ما ... دوازده فریق گشته‌اند. یازده فریق که در راه بدعت و ضلالت می‌روند» (ص ۱۸۳).

و سپس مذهب هر یکی را بیان کرده است و در آخر، مذهب آن یکی گروه را که برحق است، گفته است (صص ۱۷۹ - ۱۸۷). همان رساله‌ای است که گاهی به ملا احمد اردبیلی و شیخ نیز نسبت داده شده است. بر اساس دو نسخه خطی تصحیح شده است؛ یکی به فارسی در کتابخانه دانشگاه اوسالا، ش O. Nov.404، بدون تاریخ، ولی جدید، و دیگری به عربی در کتابخانه اسکندریه در مصر، ش ۳۹۲۵، مورخ ۱۰۸۶ ق.

از این به بعد در این مجموعه نصوص عربی است:

۱۲. فریق المتصوفه نجم‌الدین عمر بن محمد النسفی (م ۵۳۷ هـ). مصحح معتقد است که اصل این رساله را نسفی به فارسی نوشته بود و مترجمی ناشناخته آن را به تازی ترجمه کرده است و نص فارسی این رساله در صفحات ۱۷۹ - ۱۸۷ چاپ شده است، چنان که گذشت. بر اساس نسخه کتابخانه شهرداری اسکندریه در مصر، ش ۳۹۲۵، مورخ ۱۰۸۶ ق (صص ۱۸۹ - ۱۹۴).

۱۳. تفسیر آیه التور، شیخ‌الرئیس ابوعلی الحسین بن عبدالله بن سینا

(ف. ۴۲۸ ق). تصحیح بر اساس مجموعه خطی در دانشگاه استانبول، ش ۱۴۵۸، مورخ ۲۳۶-۴۰ ق (میکروفیلم در اوسالا، ش MF ۱۵:۳۲۵۴، ۳۴۵۷) است (صص ۱۹۵ - ۲۰۲).

۱۴. شرح القصیده الروحانیة لشمس‌الدین محمد بن اشرف الحسینی السمرقندی (م ۷۲۲ ق)، شرح از دانشمندی ناشناخته. مصحح در پیش گفتار خود به کمک بروکلیمان، کشف‌الظنون، ایضاح‌المکتون و هدیه‌العارفین، ۱۲ اثر سمرقندی را معرفی کرده است که همه به عربی است. سمرقندی قصیده قافیة خود را در ۲۰ بیت به اقتفا از قصیده عینیة ابن سینا سروده است. شارح که نامش معلوم نیست، از معاصران مؤلف است. وی مردی دانشمند بوده و تألیفاتی دیگر نیز داشت. چاپ حاضر بر اساس نسخه‌ای که در ایاصوفیه، ش ۴۰۷۲ (میکروفیلم در اوسالا، MF 15:3111) مستند است (صص ۲۰۳ - ۲۲۶).

۱۵. رساله فی الفتوة از کمال‌الدین عبدالرزاق الکاشانی (م ۷۳۰ یا ۷۳۶ ق)، از مشایخ سهروردیه و خلیفه نورالدین عبدالصمد بن علی اصفهانی. وی تحفة‌الاکوان فی خصائص الفتنان را نخست به تازی نوشته و سپس خود به فارسی تحریر کرده است. وی فتوت‌نامه به زبان فارسی نیز دارد. رساله حاضر دو صفحه بیشتر نیست و بر اساس نسخه ایاصوفیه، ش ۴۸۷۵، مورخ ۷۵۴ ق (میکروفیلم در اوسالا، ش MF 15:3085) تصحیح گردیده است (صص ۲۳۴ - ۲۳۷).

۱۶. الأربعون حدیثاً فی طلب العلم، از محمد بن محمد، منتسب به دهقان غازی سمرقندی (زنده در ۹۱۳ ق)، بر اساس نسخه خطی دانشگاه اوسالا، ش O. Nov.196 مورخ ۹۱۳ ق (صص ۲۳۵ - ۲۵۰).

۱۷. فضل القيام بالسلطنة از جلال‌الدین عبدالرحمان بن ابی‌بکر سیوطی (م ۹۱۱ ق)، مجموعه ۲۲ حدیث در مُلک‌داری. بر اساس نسخه خطی دانشگاه اوسالا، ش O. St.99، مورخ حدود ۹۹۲ ق (صص ۲۵۱ - ۲۶۱).

۱۸. افادة الخیر بنصه فی زیادة العمر و نقصه تألیف سیوطی. مجموعه احادیث در طول عمر. بر اساس نسخه خطی دانشگاه اوسالا، ش O. St.99، مورخ ۹۹۳ ق (صص ۲۶۳ - ۲۶۹).

۱۹. الباحة فی السباحة، تألیف سیوطی. مجموعه احادیث در شناگری، بر اساس نسخه خطی دانشگاه اوسالا، ش O. St.99، مورخ حدود ۹۹۲ ق (صص ۲۷۱ - ۲۸۲).

در پایان سه رساله سیوطی، مصحح مطلبی به عنوان «چند کلمه درباره سیوطی» آورده و گفته است: «او همان قدر که در ادبیات و علوم نقلی توانا ... است، در اندیشیدن مردی ناتوان است. کتب حدیثی او، که سلطه او را بر متون حدیث نشان می‌دهد، در عین حال آینه‌ای است از انحطاط فکری جامعه اسلامی و انحرافات و دروغ‌ها، که به نام حدیث بر پیامبر بسته‌اند» (ص ۲۸۰). سپس مصحح بین سیوطی و ملا محمدباقر مجلسی (ف. ۱۱۱۱ ق) مقایسه‌ای جالب کرده و گفته است که مجلسی

وابسته به دربار صفوی بوده و مأموریت او تعمیق مرزبندی بین شیعه و سنی بوده است. مجلسی در مقایسه با سیوطی ذوق ادبی ندارد و از عالم شعر فاصله دارد و محدثی متوغل در حدیث است و حدیث را به نفع سلاطین صفویه توجیه و تفسیر می‌کند. مصحح این مقایسه را با این نتیجه‌گیری پایان داده است: «آن هر دو (سیوطی و مجلسی) از جمله آنانند که پرچم انحطاط جامعه اسلامی را به اهتزاز درآوردند، تا چند قرن بعد با سقوط قاجاریه در ایران و عثمانیان در ترکیه، کشور اسلامی به نقطه‌ای برسد که عبرت‌آور است» (ص ۲۸۲).

۲۰. نسیم السحر فی مدح من بشر و انذر، تخمیری است بر دیوان الوتریات فی مدح افضل المخلوقات، به سبک صوفیانه، سروده مجدالدین محمد بن ابی‌بکر بن رشید بغدادی، مشهور به وتری (م: ۶۶۲ ق). عنوان «نسیم السحر...» از سوی مصحح است. نسخه خطی این کتاب در دانشگاه اوپسالا، ش O Nov.743 موجود است، چون نسخه زیبا و هنری و قدیمی است، به جای چاپ حرفی، مصحح به چاپ فاکسیمیله آن ترجیح داده است و ۸ صفحه آن بسیار باکیفیت عالی و رنگی چاپ شده است.

به دنبال آن، پیوستی است در معرفی نسخه خطی مثنوی جلال و جمله^۵ سروده امین‌الدین محمد نزل‌آبادی بیهقی سبزواری (ف. حدود ۸۵۵ ق) که در دانشگاه اوپسالا (ش O Nov.2) نگهداری می‌شود. این نسخه از نظر هنری بسیار نفیس و با ۳۴ مینیاتور شاهکار ممتاز است، به خط نستعلیق عالی سلطان‌علی (قائینی) در هرات به سال ۹۰۸ ق و «به گفته نسخه‌شناسان بین‌المللی، یکی از ده نفیس‌ترین نسخه خطی موجود در جهان است». چندی پیش در ۲۰۰۲ م دانشگاه اوپسالا این نسخه را به طور کامل و به صورت تصویری روی لوح فشرده (سی‌دی) منتشر کرده است. آقای محدث بر این نشر تصویری نیز مقدمه‌ای نوشته است که اکنون با تجدیدنظر، در کتاب حاضر قرار گرفته و از کل ۳۴ مجلس تصویر فقط ۸ مینیاتور آن با کیفیت بسیار بالا چاپ شده است. مصحح در گفتار خود به معرفی منظومه، شرح حال سراینده و شرح حال ممدوح پرداخته است. بخش دوم مقاله که ترجمه‌ای از مقاله آقای Lamm به فارسی است، تفسیر مجالس نقاشی این نسخه است؛ البته با تجدیدنظر مترجم.

خواندن نسخه‌های خطی به قلم‌های گوناگون و شیوه‌های مختلف، و یا از روی میکروفیلم‌های کم‌رنگ کاری آسان نیست و هر کسی که با تصحیح متون خطی سروکار دارد، از دشواری این راه آگاه است؛ ولی آقای علی محدث، با آن سابقه متدّ حشر و نشر با مخطوطات و طبعاً آموزش چنین کارها در کنار والد مرحوم خود، از پس این کار، خوب برآمده است. ایشان برای هر رساله در این دو مجموعه، پیش‌گفتارهای جداگانه نوشته و در آن به اجمال به شرح حال مؤلف و موضوع و معرفی نسخه یا نسخه‌های خطی آن اثر پرداخته است. برای تحقیق در چنین موضوعات گسترده، که گاهی از عرب و عجم و گاهی از عثمانی و هند و ماوراءالنهر

سر بر می‌آورده، منابع کمی شایسته و بایسته در کتابخانه‌های سوئد در دسترس نداشتند و فقط از منابع معروف همگانی که در آنجا پیدا می‌شود، استفاده کرده‌اند و دست ایشان از کتاب‌های جدید که در این موضوعات در قلمرو فارسی به طبع رسیده، کوتاه بوده است. با این همه، باید به ایشان دست‌میرزاد گفت.

مصحح اگرچه توضیحی نداده که این متون به چه ترتیب و نظمی گرد آمده است، اما خواننده یک گونه نظم موضوعی را در آن حس می‌کند و رساله‌هایی که در یک موضوع است، کنار هم قرار گرفته است.

کیفیت چاپ هر سه کتاب مطلوب است؛ ولی نباید از نظر دور داشت که این مجموعه در کشور سوئد توسط کسی حروف‌چینی و صفحه‌آرایی شده، که حرفه‌ای نبوده است. مصحح به این مشکل کامپیوتری در ابتدا اشاره کرده است و عذر ایشان موجه است.

پی‌نوشت

۱. از این گونه کتاب‌هاست:

– افشاریان، مهران، ۱۳۸۲، فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه (سی رساله). تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

– افشاریان، مهران و مهدی مدایینی، ۱۳۸۱، چهارده رساله در باب فتوت و اصناف تهران: نشر چشمه.

– پورجوادی، نصرالله، ۱۳۸۵، زبان حال در عرفان و ادبیات پارسی. تهران: هرمس.

– شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۸۶، قلندریه در تاریخ دگرذیبی‌های یک ایدئولوژی. تهران: سخن.

۲. یعنی اوراد الاحباب به تصحیح ایرج افشار، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۵.

۳. خوشانی برای برزش‌آبادی ارشادنامه‌ای نوشته بود که نسخه‌ای از آن در کتابخانه گنج‌بخش، اسلام‌آباد، به شماره ۵۳۵۰ موجود است و بر اساس همان، آقای داوود ملک تیموری همراه با ارشادنامه شیخ کمال‌الدین شکرالله اسفراینی چاپ کرده است (نک: «دو ارشادنامه»، مجله دانش، اسلام‌آباد، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۶۷ ش، صص: ۷۱ – ۸۴). ناگفته نماند که شرح حال و افکار خوشانی در دو منبع به تفصیل آمده، که هر دو تا کنون چاپ نشده است؛ یکی جامع السلاسل، از مجدالدین علی بدخشانی، و دیگری جادة العاشقین، از شرف‌الدین حسین خوارزمی.

۴. تحفة الاحوان کاشانی، همراه با متن فارسی آن، به کوشش سید محمد دامادی، به توسط شرکت انتشارات علمی و فرهنگی در تهران چاپ شده است.

۵. جلال و جمال از سوی مرکز نشر دانشگاهی تهران چاپ شده است. دکتر نصرالله پورجوادی در کتاب زبان حال در عرفان و ادبیات پارسی نیز از این مثنوی یاد کرده است.